اخبار کارگری

یک مقام مسئول کارگری:
لایحه تفکیک وزارت کار عجولانه است



دبیر خانه کارگر شرق تهران معتقد است که منابع سازمان تامین اجتماعی از حق بیمه واریزی کارگران و کارفرمایان تشکیل شده و هر گونه تصمیم گیری در خصوص تفکیک وزارت کار بدون نظر شرکای اجتماعی پذیرفته نیست.

«فتح‌الله بیات» درباره لایحه تفکیک وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ابراز عقیده کرد و گفت: نقطه‌نظرات و برداشت‌ها در این زمینه متفاوت است ولی باید دید کارشناسان حوزه روابط کار و کسانی که در زمینه سازمان تامین اجتماعی کارشناسی می کنند، چه دیدگاهی در این زمینه دارند؟

وی گفت: سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار به هم تنیده و مرتبطند؛ بنابراین اگر سازمان تامین اجتماعی را از وزارت کار جدا کنیم در سیستم مدیریتی آن تفکیک انجام می‌شود و قطعا چنین موضوعی در بحث بودجه سازمان هم تاثیر گذار است چون وزیری که مسئولیت اداره وزارت "رفاه و تامین اجتماعی" را عهده‌دار می‌شود، منابع و بودجه سازمان را هم به دست می گیرد.

فعال صنفی کارگری:
هنر دولت نادیده گرفتن شرکای اجتماعی است

عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار گفت: هنر دولت نادیده گرفتن شرکای اجتماعی است چرا که اگر برای آنها ارزش قائل بود پیش از ارائه طرح دو فوریتی تفکیک وزارت رفاه از تعاون و کار، با آنها مشورت می کرد. «علیرضا فتحی» با بیان اینکه سیاست گذاری‌های رفاهی دولت به اندازه سیاست‌های اقتصادی‌اش پریشان است و می‌خواهد در سریع‌ترین زمان ممکن کاری بکند که همه از او راضی باشند، گفت: دولت غافل از این است که در حال تشییع تابوت رفاه و سپردن آن به گورستان تاریخ است. این فعال صنفی کارگری با تاکید بر اینکه رفاه و تامین اجتماعی مقولاتی هستند که آینده کشور با آن گره خورده است، گفت: اگر خیر جامعه را می خواهیم نباید رفاه و تامین اجتماعی را از حوزه کار جدا کنیم؛ مردم کار می کنند که رفاه و آتیه داشته باشند اما تلقی عده‌ای هم این است که رفاه برای مردم نیست و باید آن را اسیر سیاسی کاری کرد. وی افزود: وقتی می گوییم مردم از فقر و کاهش قدرت خرید خود نگران هستند و وعده‌های سرخرمن نمی خواهند، عده‌ای می گویند این به شما چه ارتباطی دارد؛ بگذارید دولت کار خودش را انجام دهد؛ چرا که ما برای معیشت مردم برنامه داریم! حالا با طرح دو فوریتی جدایی وزارت رفاه متوجه شدیم که منظورتان از برنامه داشتن چه بود.

یک فعال صنفی کارگری:
با این دستمزدها حتی یک هفته هم نمی‌توان سر کرد



یک فعال صنفی کارگران فلزکار با انتقاد از کاهش شدید قدرت ریال گفت: با این دستمزدها حتی یک هفته نمی‌توان سر کرد. مازیار گیلانی نژاد در ارتباط با اوضاع معیشتی مزدبگیران با انتقاد از شرایط پیش آمده می گوید: در ماه‌های اخیر بالا رفتن قیمت ارز، به کمتر شدن قدرت خرید زحمتکشان منجر شد. اگر کارگران در سال ۹۶ با دستمزد ۹۳۰ هزار تومانی و دلار ۳۸۰۰ تومانی، دستمزدشان ۲۴۵ دلار بود امروز با دستمزد ۱ میلیون و ۱۳۰ هزار تومانی و دلار ۸۰۰۰ تومانی، به ۱۴۰ دلار تنزل یافته است. امروز در میان کارگران این نگرانی دهان به دهان می‌چرخد که «به ریال کار می کنیم اما به دلار خرج می کنیم»؛ آیا این عبارت صحیح نیست؟ وی ادامه می‌دهد: بخش بزرگی از قیمت کالاها به حمل و نقل بستگی دارد؛ وقتی قیمت دلار افزایش می‌یابد هزینه‌های لاستیک، روغن، تعمیرات و .... به تبع آن به سرعت افزایش می‌یابد. در واقع هر کالایی که به مواد اولیه‌ای که از خارج وارد می‌شود وابسته است، قیمتش به نرخ ارز محاسبه و عرضه می‌شود.

زندگی در پناه تورم

قدرت خرید کارگران نصف شده است

PDF Compressor Free Version

«طی ۶ ماه گذشته قدرت خرید کارگران نصف شده است». این خبری است که اعضای کارگری شورای عالی کار به صورت گسترده به رسانه‌ها اعلام کرده‌اند، اما پرسش اینجاست که در ۵ ماه گذشته از سال چه اتفاقی در اقتصاد ایران رخ داده که افزایش ۱۹ و نیم درصدی حداقل دستمزد سال ۹۷ تا این اندازه کم ارزش شده است.



تحت تاثیر افزایش نرخ دلار در بازار آزاد و ثبت رکورد ۱۰ هزار تومان، بسیاری در فضاهای عمومی با یکدیگر نجوا می کنند که توان خرید گوشت قرمز، مرغ و میوه‌های تازه را ندارند. آنها می‌پرسند چرا کسی نیست که اوضاع آنها را بادقت بیشتری رصد کند؟ همین وضعیت مبهم و تلاش مردم برای یافتن پاسخ به پرسش‌هایی نظیر این، موجب شد تا نمایندگان کارگران در شورای عالی کار در هفته‌های گذشته به «احمد مشیریان» معاون تنظیم روابط کار وزات تعاون، کار نامه بنویسند و تقاضا کنند که شورای عالی کار در اولین جلسه خود، بازنگری در حداقل مزد سال ۹۷ را در دستور کار قرار دهد.

هر کاهشی در ارزش پول ملی تورم به دنبال دارد و تورم ناشی از این کاهش ۸۰ درصدی هنوز به اقتصاد کشور وارد نشده است، بنابراین پیش‌بینی می‌شود تا پایان امسال تورم به بالای ۳۰ درصد برسد از همین رو باید تدابیر لازم برای این موضوع نیز اتخاذ شود

با این حال بسیاری از همان روز تعیین مزد سال ۹۷ که با ۱۹ و نیم درصد افزایش، یک میلیون و ۱۱۴ هزار و ۱۴۰ تومان اعلام شد تاکید کردند که این افزایش کافی نیست؛ چرا که زیر سبد هزینه‌های زندگی اعلامی است، با این حال نمایندگان کارفرمایان با تکرار همان ادعاهای همیشگی تاکید کردند که توان پرداخت همین رقم را هم ندارند چه برسد به آنکه بخواهند بالاتر از قیمت سبد هزینه‌ها که ۲ میلیون و ۶۷۰ هزار تومان محاسبه شده به کارگران خود مزد بدهند.

با این همه تنها در هفته‌های آخر تیرماه امسال بود که ضرورت بازنگری در دستمزد سال ۹۷ از سوی نمایندگان کارگران در شورای عالی کار مطرح و به سرخط خبرها تبدیل شد. حالا همه می گفتند که صدای نارضایتی‌شان شنیده شده است. به هر روی اینطور به نظر می‌رسد که افزایش ۱۹ و نیم درصدی حداقل مزد سال ۹۷ در پیشگاه غول بی شاخ و دم تورم بی‌ارزش و بی‌اعتبار شده است.

اقتصاد ایران در چند ماه گذشته با تکانه‌های شدیدی مواجه شده است؛ آنگونه که بعضی از اقتصاددانان و البته سیاست‌مداران که هنوز هم مفاهیم عدالت اجتماعی را در گفتمان خود حفظ کرده‌اند از سقوط آن صحبت می کنند و هشدار می‌دهند که فروپاشی این نظم که سال‌ها برای برپایی آن هزینه داده شده است، عواقب ناگواری دارد و باید هر جور که شده جلوی از هم گسیختگی قدرت خرید طبقات فرودست یا همان دهک‌های پایین درآمدی را گرفت.

در این راه برخی از اقتصاددانان پیشنهاد می‌دهند که دولت بسته‌های حمایتی را در قالب یارانه‌های نقدی و غیر نقدی برای محرومان در نظر بگیرد و به سراغ بازنگری در افزایش حداقل مزد نرود؛ چرا که تولیدکنندگان با افزایش قیمت دلار و بحران در تامین مواد اولیه توان پرداخت دستمزدهای بالاتر را ندارند و لذا بهتر است که دولت میدان‌داری کند و پاهای سنگین خود را کمی از روی دوش بخش خصوصی بردارد و به آنها اجازه نفس کشیدن بدهد.

با این حال از دست رفتن قدرت خرید و ناتوانی در اجابت خواسته‌های همسر و فرزندان برای بسیاری از کارگران خط قرمز است. آنها بیش از این طاقت بی‌ارزش شدن مزد ریالی خود را ندارد و می پرسند چرا باید به ریال پول بگیریم اما به دلار خرج کنیم؟ ادامه روند افزایش قیمت دلار در هنگام وضع تحریم‌های جدید علیه ایران یاس و ترس بر دل مردم انداخته است؛ یاس از آینده و ترس از تامین نشدن مخارج ضروری.

نداشتن استراتژی تعجب‌برانگیز است

از همین رو «علی خدایی» عضو کارگری شورای عالی کار روز گذشته با اشاره به نصف شدن قدرت خرید کارگران طی ۶ ماه گذشته گفت: در جلسه اخیر شورای عالی کار مقرر شد کمیته دستمزد تشکیل جلسه دهد و موضوع افزایش قدرت خرید کارگران چه در زمینه دستمزد و چه کمک‌های غیرنقدی را بررسی کند. البته وی تاکید دارد که دولت و کارفرمایان کاهش قدرت خرید کارگران را قبول دارند با این حال تصریح می کند که هیچ راه‌حلی برای جبران آن ارائه نکرده‌اند.

اینکه چرا دولت راه حلی برای این مشکل ندارد بیشتر تعجب برانگیز است؛ چرا که «حسن روحانی» رئیس جمهوری سال ۱۳۹۲ در کمپین‌های تبلیغاتی خود اعلام کرده بود که رسیدگی به معیشت مردم نخستین قدم دولت است. وی همچنین تاکید کرده بود برابری دستمزدها با نرخ تورم ضروری است اما طی ۶ ماه گذشته تمام آنچه که رشته بود، پنبه شد و اقتصاد ایران حداقل بگیران را زمین گیر کرد.

آینده تاریک و دولت بی‌برنامه موجب می‌شود تا فقر را از هر دری که بیرون کرده‌ایم بار دیگر به خانه راه دهیم؛ اینگونه توزیع ثروت به توزیع محرومیت می‌انجامد پس چه امری ضروری‌تر از اینکه سفره‌های کارگران را در ایام تحریم‌ها به حال خود وانگذاریم.

خدایی در ادامه گفته است: مقرر شد تا کمیته دستمزد تشکیل جلسه دهد و نمایندگان دولت در وزارتخانه‌هایی که در شورای عالی کار حضور دارند، موارد مطرح‌شده در جلسه را با وزارتخانه‌های متبوع خود طرح و نتیجه را به جلسه بعدی شورای عالی کار ارائه کنند. البته با توجه به اینکه تمام اعضای شورای عالی کار بر کاهش قدرت خرید کارگران آگاه هستند، می‌بایست هر چه زودتر در این مورد تصمیم گیری شود.

آینده تاریک و دولت بی‌برنامه موجب می‌شود تا فقر را از هر دری که بیرون کرده‌ایم بار دیگر به خانه راه دهیم؛ اینگونه توزیع ثروت به توزیع محرومیت می‌انجامد پس چه امری ضروری‌تر از اینکه سفره‌های کارگران را در ایام تحریم‌ها به حال خود وانگذاریم

«محمدرضا تاجیک» که در مذاکرات مربوط به تعیین مزد سال ۹۷ به نمایندگی از «مجمع عالی نمایندگان کارگری» حضور داشت هم با اشاره به اینکه تورم چند ماه ابتدایی سال ۹۷ کمر کارگران را شکست گفت: افزایش ۱۹ و نیم درصدی مزد حداقل بگیران در فروردین ۹۷، کور سوامیدی برای قشر ضعیف کارگران بود که دیری نگذشت که در همین ابتدای سال از بین رفت و نه تنها شکاف مزدی آنها ترمیم نشد بلکه هر روز شاهد کاهش هر چه بیشتر قدرت خرید کارگران هستیم

وی افزود: با توجه به محاسبات گروه کارگری به میزان چهل و هشت و دو دهم درصد در ابتدای سال ۹۷ قدرت خرید کارگران کاهش یافته است و درخواست آنها از شرکای اجتماعی بازبینی مجدد سبد معیشت و بررسی جهت افزایش توان خرید برای کارگران است. البته با در نظر گرفتن سبد معیشت سال ۹۷ و دریافتی کارگران و همچنین حداقل های زندگی برای ادامه حیات به اختلاف فاحشی میرسیم. کارگران برای ادامه زندگی مسیری دشوار و سخت را در پیش رو خواهند داشت و از حداقل‌های زندگی محروم هستند.

وی گفت: در جلسه شورای عالی کار مورخ ۹۷،۵،۳ شرکای اجتماعی مطالب ارائه شده توسط گروه کارگری را در همین رابطه تایید کردند و مقرر شد کمیته دستمزد موضوع را بررسی و نتیجه را به شورایعالی کار ارائه کند. گروه کارگری از شرکای اجتماعی، خصوصاً نمایندگان دولت درخواست دارد به فکر اندیشه و راه حل مناسب برای افزایش دریافتی کارگران (افزایش توان خرید) باشند. البته در این خصوص می‌توان گزینه‌های غیر نقدی را نیز بررسی کرد.

تاکید خدایی و تاجیک بر بسته کمک‌های غیر نقدی در کنار بازنگری در حداقل دستمزد نشان می‌دهد که کارگران حتی برای تهیه برخی از اقلام مصرفی بیش از اندازه ناتوان هستند. البته دولت مردم تجربه خوبی در زمینه توزیع سبد کالا ندارند با این حال دولت می‌توان کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی را کارگران در آنها کار می کنند را به عنوان محل توزیع اقلام غیر نقدی در نظر بگیرد ضمن اینکه دولت و گروه کارگری می‌توانند از کارفرمایان بخواهند تا هزینه‌های خرید بخشی از اقلام بسته‌های غیر نقدی را فراهم کنند. به هر روی زمینه اجرای سریع پیشنهادات اعضای کارگری شورای عالی کار فراهم است و بهانه تراشی جایز نیست؛ چرا که جو نارضایتی از وضع موجود به سرعت در حال تسری در میان مردم است. اعداد و ارقام نیز درستی این ادعا را ثابت می کند.

کاهش ۸۰ درصدی قدرت خرید

«وحید شقاقی شهری» اقتصاددان که کاهش قدرت خرید مردم را محاسبه کرده است به ایسنا می گوید: افزایش قیمت دلار، باعث شده طی هشت ماه اخیر ارزش پول ملی و قدرت خرید ۸۰ درصد کاهش پیدا کند، این در حالی است که سال ۹۶ در حال نزدیک شدن به قدرت خرید سال ۹۰ بودیم اما با این وضعیت اگر هیچ عامل مخرب دیگری بر اقتصاد کشور تاثیر نگذارد شاید ۱۰ سال دیگر قدرت خرید مردم به قدرت خرید سال ۹۰ برسد. تاکید دارم که ارز یکی از مهمترین متغیرهای هر اقتصادی است؛ این متغیر در حدی اهمیت دارد که می‌توان با ایجاد بحران ارزی یک کشور را به طور نامحسوس و حتی مخرب‌تر از جنگ نظامی نابود کند.

وی با بیان اینکه جنگ ارزی به مراتب از جنگ نظامی خطرناک‌تر است، افزود: در جنگ نظامی مردم حضور دشمن را می‌بینند اما در جنگ ارزی دشمن به صورت چراغ خاموش و بدون اینکه مردم متوجه شوند می‌تواند یک کشور را ساقط و نظام اقتصادی را تغییر دهد؛ این موضوع اهمیت ارز در اقتصاد را نشان می‌دهد.

شقاقی شهری تصریح کرد: کاهش ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی چون دلار و یورو، هم نتیجه سیاست‌های بین‌المللی و فراملی است و هم از عوامل درونی ناشی می‌شود. اقتصاد ایران در سال ۹۱ با یک جنگ ارزی شدید مواجه شد و پس از فشار بر منابع ارزی، قیمت دلار از ۱۱۰۰ تومان به ۳۷۰۰ تومان افزایش پیدا کرد. در نتیجه این وضعیت تورم به بالای ۳۵ درصد رسید؛ قدرت خرید مردم به شدت کاهش پیدا کرد و رشد اقتصادی کشور منفی ۶،۸ درصد شد؛ تبعات آن وضعیت هنوز هم ادامه دارد طوری که قدرت خرید مردم به قدرت خرید سال ۹۰ نرسیده و در روزهای اخیر حتی دوباره رو به کاهش گذاشته است.

وی افزود: تجربه جنگ ارزی آن سال به ما نشان داد که کشور آمریکا از طریق دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (اوفک) نقشه ارزی ایران را شناخته و بر همان اساس به متغیر ارزی ما ضربه می‌زند. آمریکا از طریق اوفک می‌دانست که صادرات پتروشیمی ما به چند کشور محدود می‌شود و ما در چند نقطه از دنیا بستانکار ارز می‌شویم؛ آنها حتی می‌دانستند که بین ۵۰ تا ۷۰ درصد از مصرف ارز ما در امارات به خصوص دبی خلاصه می‌شود.

این استاد اقتصاد دانشگاه خوارزمی ادامه داد: باوجود همه این تجربه‌ها و علم به ضعف نقشه ارزی کشور و تهدیدات ناشی از عدم تنوع در شرکای تجاری، کشور ما باز در سال ۹۶ و ۹۷ به وسیله همان عوامل محرک قبلی دچار چالش ارزی شد و امروز کار به جایی رسیده که دلار از ۳۵۰۰ تومان به ۶۸۰۰ تومان رسیده است.

این افزایش قیمت دلار، باعث شده طی هشت ماه اخیر ارزش پول ملی و قدرت خرید مردم ۸۰ درصد کاهش پیدا کند، این در حالی است که سال ۹۶ در حال نزدیک شدن به قدرت خرید سال ۹۰ بودیم اما با این وضعیت اگر هیچ عامل مخرب دیگری بر اقتصاد کشور تاثیر نگذارد شاید ۱۰ سال دیگر قدرت خرید مردم به اندازه قدرت خرید سال ۹۰ برسد.

شقاقی این وضعیت را به سکته اقتصادی تعبیر کرد و گفت: در سکته اول که سال ۹۱ رخ داد ارزش پول ملی ۲۰۰ درصد کاهش یافت و در سکته دوم که اخیراً رخ داده ارزش پول ملی ۸۰ درصد افت کرد. این دو سکته دلایل مشابهی داشت اما متاسفانه ما از تاریخ درس عبرت نمی گیریم.

در هفته‌های آخر تیرماه امسال ضرورت بازنگری در دستمزد سال ۹۷ از سوی نمایندگان کارگران در شورای عالی کار مطرح و به سرخط خبرها تبدیل شد. حالا همه می گفتند که صدای نارضایتی‌شان شنیده شده است

وی معتقد است: هر کاهشی در ارزش پول ملی تورم به دنبال دارد و تورم ناشی از این کاهش ۸۰ درصدی هنوز به اقتصاد کشور وارد نشده است، بنابراین پیش‌بینی می‌شود تا پایان امسال تورم به بالای ۳۰ درصد برسد از همین رو باید تدابیر لازم برای این موضوع نیز اتخاذ شود.

قدرت خرید چه اهمیتی دارد

تاکید این اقتصاددان بر کاهش قدرت مردم نشان از اهمیت این فاکتور مهم در اقتصاد دارد این قدرت خرید مردم است که چرخ تولید را به گردش درمی‌آورد و ما را از اقتصاد تک محصولی رهایی می‌بخشد.

به عنوان مثال؛ اگر شخصی در دهه ۱۳۴۰ یک تومان به فروشگاهی پرداخت می کرد، نسبت به امروز، قادر به خرید مقدار کالای بیشتری بود به بیان دیگر مردم در دهه چهل دارای قدرت خرید بیشتری نسبت به امروز بوده اند؛ چنانکه ۱۰ سال پیش یعنی سال ۱۳۸۷ شخصی با ۱۰ هزار تومان به سوپرمارکت مراجعه می کرد، خیلی بیشتر از امروز می‌توانست با آن پول کالا خرید کند، یعنی قدرت خرید آن شخص نسبت به امروز خیلی بالاتر بوده و طبیعتاً امروز از قدرت خرید کمتری برخوردار است و هر چه ارزش پول ملی کاهش یابد، قدرت خرید مردم نیز کاهش می‌یابد.

قدرت خرید مردم زمانی مناسب خواهد بود که مردم با حقوق دریافتی و یا درآمدی که در یک ماه به دست می آورند، بتوانند مایحتاج ضروری زندگی خود اعم از هزینه مسکن، پوشاک، خورد و خوراک، بهداشت و سلامت، حمل و نقل، تحصیل را تأمین کنند؛ البته هر کسی نسبت به سطح درآمد و جایگاه اجتماعی‌اش، نوع و کیفیت مایحتاج زندگی‌اش با دیگری متفاوت است، یعنی می‌تواند گران‌تر و یا ارزان‌تر باشد.

بهتر است که به گذشته برگردیم به سال ۵۷. بررس ها نشان می‌دهد در سال ۵۷، اگر کارگری که حداقل حقوق می‌گرفت، تصمیم جدی برای خرید پیکان داشت و می توانست قید خوراک و پوشاک و هزینه های جانبی رابزند، پس از ۵۰ ماه موفق به خرید می شد. در آن روزها قیمت پیکان حدود ۳۰ هزار تومان بود و حداقل دستمزد آن زمان، ۶۳۰ تومان. البته در آن زمان کارگران اگر قصد تبدیل حقوق خود به دلار را داشتند می توانستند هر ماه بیش از ۶۰ دلار پس انداز داشته باشند.

فرجام

مردم در هر جای دنیا که زندگی کنند نمی‌خواهند که عقب ماندگی مزد از تورم را شاهد باشند. زندگی زیر بار تورم با چند نوبت کار روزانه هم قابل تحمل نیست لذا اگر دولت واقعا می‌خواهد به شعارهای سال ۹۲ و ۹۶ در زمینه بهبود کیفیت زندگی مردم پایبند باشد بهتر است که از همین امروز به میدان بیاید در غیر این صورت مردم به یاس، درماندگی و آسیب‌های اجتماعی پناه می‌برند، امری که خلاف شعارهای عدالت‌خواهانه ۴ دهه گذشته است.